

رویکرد «عمل گرایانه» در خزر

حمید ضیایی پرور hziay@ yahoo. co. uk

دکتر کمال خرازی که به چند کشور منطقه قفقاز سفر کرده است در باکو اعلام کرد که تغییر در موضع ایران نسبت به دریای خزر رخ نداده است. پس از آنکه پیشنهادات ایران برای تعیین رژیم حقوقی مشاع برای خزر و رژیم تقسیم مساوی خزر میان ۵ کشور ساحلی با استقبال ۴ کشور دیگر ساحلی خزر مواجه نشد، ایران فقط بر یک نکته پافشاری کرده است: تعیین سهم ۲۰ درصدی از خزر برای ایران و بیطرفی نسبت به چگونگی تقسیم ۸۰ درصد دیگر میان ۴ کشور ترکمنستان، آذربایجان، قزاقستان و روسیه.

کسانی که حداقل یکبار نقشه بزرگ شده و با مقیاسهای دقیق دریای خزر را دیده باشند می دانند با هر شیوه‌ای که بخواهیم ۲۰ درصد از خزر جنوبی را به ایران بدهیم، مرزهای آبی ایران با مناطق دریای سرزمینی دو کشور ترکمنستان و آذربایجان تداخل خواهد کرد. دقیقاً به همین علت، تبیین حقوقی سهم ۲۰ درصدی مورد ادعای ایران تاکنون معلق مانده است و ایران با تکیه بر نیروی نظامی از محدوده ۲۰ درصدی مورد نظر خویش طبق مصوبه شورای عالی امنیت ملی، تا اطلاع ثانوی حفاظت می کند.

کارشناسان حقوق بین الملل و آشنایان به دیپلماسی خارجی معتقدند پروسه تعیین رژیم حقوقی خزر با توجه به پیچیدگیهای موجود بسیار زمان بر و طولانی خواهد بود به همین جهت برای تامین منافع ملی کشور، استفاده از نظرات کارشناسی و علمی برای فربه تر کردن بدنه فکری و کارشناسی هیئتهای مذاکره کننده ایرانی بسیار ضروری است. براساس خبری که در سایت بازتاب منتشر شده دکتر پرویز مجتهدزاده استاد دانشگاه و مدیرعامل بنیاد پژوهشی یوروسویک لندن در پروژه‌ای

یادداشت سیاسی



پژوهشی، طرحی کارشناسی را برای تعیین عادلانه رژیم حقوقی خزر تهیه و نسخه‌ای از آنرا برای وزیر خارجه ایران ارسال کرده است. محورهای پیشنهادی دکتر مجتهدزاده به این شرح است:

۱- تعیین محدوده‌ای به پهنای ۱۰ تا ۴۰ مایل در درازای خط کرانه‌ای هر کشور به عنوان منطقه انحصاری اقتصادی آن کشور، بدان گونه که مقررات بین المللی مربوط به «دریای سرزمینی» و «منطقه انحصاری اقتصادی» در دریاها نیز حکم می کند بدیهی است که تعیین رسمی این منطقه از دریا عملی نخواهد بود مگر از راه توافق های دوجانبه میان کشورهای همسایه و هم کرانه در دریا و به همین علت، مخالفت وزارت خارجه ایران با توافق های دوجانبه در خزر برای تعیین محدوده آبهای کرانه‌ای میان کشورها درست نیست و جز تشدید انزوای ایران در مباحث جاری، حاصل دیگری نخواهد داشت.

۲- اعلام بدنه آبهای باقی مانده در بخش میانی دریا به عنوان «منطقه قابل بهره برداری مشاع» که ۵ کشور ساحلی در استفاده از آن به منظور بازرگانی، دریایی، کشتیرانی و دیگر فعالیتهای دریایی دارای حقوق مساوی باشند. این منطقه میانی مشاع می تواند به هر یک از کشورهای کرانه‌ای امکان دهد تا با ۴ کشور دیگر خزر همسایگی جغرافیایی داشته باشد.

۳- تقسیم کف این بخش میانی مشاع، براساس ادامه یافتن مرزهای خشکی به سوی دریا، آنگونه که در میانه دریا به نقطه یا خط مشترک برسند. چنین تقسیمی در حقیقت دنباله تقسیم مناطق انحصاری اقتصادی کشورها در ژرفای ۴۰ تا ۴۵ مایل است و منابع زیر کف دریا در بخش مشاع را میان کشورهای کرانه‌ای تقسیم می کند. ایجاد یک منطقه مشاع در میانه دریا بسیار اهمیت دارد چون به ۵ کشور امکان می دهد که در همسایگی

جغرافیایی هم باقی بمانند و این از نظر اداره دریا، حفظ محیط زیست، حفظ امنیت، ساماندهی کشتیرانی و شیلات مهم است. به عقیده دکتر مجتهدزاده با توجه به عملی نبودن تقسیم دریا به ۵ سهم مساوی، این تنها فرمولی است که می تواند ۲۰ درصد دریا را نصیب ایران کند.

طرح پیشنهادی این کارشناس از بسیاری جهات قابل تامل است اول آنکه بر کنوانسیونهای بین المللی حقوق دریاهای استوار است دوم آنکه توافق های دوجانبه میان کشورهای ساحلی خزر را که تاکنون از نظر ایران غیرمشروع تلقی می شد، به رسمیت می شناسد و سوم آنکه از سهم ۲۰ درصدی ایران در خزر با تکنیک خاصی از تقسیم دریا، دفاع می کند. و سرانجام اینکه بن بست کنونی در مذاکرات مربوط به تعیین و تکمیل رژیم حقوقی خزر را می شکند.

آنچه مسلم است امروز دوران تاکید بر شعارهایی همچون تقسیم پنجاه پنجاه خزر (پنجاه درصد سهم ایران و پنجاه درصد سهم ۴ کشور دیگر ساحلی خزر) و رژیم مشاع و قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ گذشته است و واقعیتهای موجود منطقه آنها را پشت سر گذاشته است. حداقل تلاش ایران باید بر راهکارهایی متمرکز شود که با توجه به این واقعیتهای بیشترین منافع را نصیب ایران کند. برگزاری نشستهای علمی در محافل آکادمیک و دانشگاهی و بحث و تبادل نظر پیرامون ایده‌های جدید کارشناسی، می تواند به کارگزاران دیپلماسی کشور در این زمینه کمک کند. درست است که پروسه تعیین رژیم حقوقی خزر زمان بر است، اما این روند نباید توأم با بی برنامگی و انفعال سپری شود. ما تا ۱۰۰ سال دیگر هم می توانیم همچنان بگوییم «تغییری در موضع ایران رخ نداده است» و حرف مرد یکی است، اما آیا دیگران هم به این حرف ما توجه خواهند کرد. واقعیتهای نشان می دهد که سایر کشورهای ساحلی خزر منتظر تغییر در موضع ایران نمانده‌اند و با رویکردی «عمل گرایانه» به تحصیل منافع خود در خزر پرداخته‌اند.